

Islamic Culture of Armed Forces Scientific Centers in the Intellectual Constellation of His Eminence the Supreme Leader

Mehdi Mazinani¹ , Hassan Ali Akbari², Mohammad Akraminia³, Mohammad Bagher Hobbi⁴

¹ Department of Cultural Strategic Management, National Defense University, Tehran, Iran
(Corresponding author). m.mazinani@sndu.ac.ir

² Imam Hussein (AS) University, Tehran, Iran. haliakbary1341@gmail.com

³ Assistant Professor, AJA University of Command and Staff, Tehran, Iran. m.akraminia@iran.ir

⁴ Associate Professor, Imam Hossein (AS) University, Tehran, Iran. mb.hobbi@iautnb.ac.ir

Abstract

The objective of the present research was to identify and theoretically formulate the exemplary scientific culture of the Armed Forces scientific centers. When culture establishes a connection with a scientific center and the institution of science within the spheres of its production, distribution, and consumption, it entails specific requirements. Recognizing and attending to these very requirements can render cultural efforts fruitful and effective. The culture associated with the scientific centers of the Armed Forces is also characterized by such requirements. These requirements have been more extensively processed and cultivated in the works of His Eminence the Supreme Leader due to His real and legal personality. In this research, to identify and theoretically formulate the "Islamic Culture of Armed Forces Scientific Centers" in the works of His Eminence the Supreme Leader, 393 published works by Him, in the form of statements, messages, notes, and appointment decrees (*ahkām-e entesāb*) related to the Armed Forces of the Islamic Republic of Iran, were identified, catalogued, and studied in several rounds using the thematic analysis method. Coding was performed in three rounds, resulting in 309 codes categorized into 11 organizing themes (including scientific intentions, cultural policymaking, scientific visions and horizons, scientific drivers, the exemplarity of religion and faith, the re-engineering of the educational system, etc.), and were finally formulated within an overarching theme titled "Islamic Culture of Armed Forces Scientific Centers." An examination of the research concepts and themes indicates that the exemplary Islamic culture of the Armed Forces, as presented in the works of His Eminence the Supreme Leader, constitutes a purposeful and multi-dimensional intellectual constellation that can guide cultural programs and activities within the Armed Forces. Furthermore, given its successful operational experience within the Armed Forces, this culture can provide a model for other scientific centers in the country, enabling them to improve their scientific growth by utilizing it.

Keywords: His Eminence the Supreme Leader, Scientific Culture, Cultural Policymaking, Armed Forces, Military Education.

Cite this article: Mazinani, M., Ali Akbari, H., Akraminia, M. & Hobbi, M.B. (2025). Islamic Culture of Armed Forces Scientific Centers in the Intellectual Constellation of His Eminence the Supreme Leader. *Hawzah culture and social studies*. 9(1), p. 245-266.

Received: 2024-11-26 ; **Revised:** 2025-01-15 ; **Accepted:** 2025-02-17 ; **Published online:** 2025-04-09

© The Author(s).

Article type: Research Article

<https://gnoe.bou.ac.ir/>

Published by: The Scientific Association for Social Studies of the Seminary



فرهنگ اسلامی مراکز علمی نیروهای مسلح در منظومه فکری مقام معظم رهبری

مهدی مزینانی^۱، حسن علی اکبری^۲، محمد اکرمی نیا^۳، محمدباقر حبی^۴

^۱ گروه مدیریت راهبردی فرهنگی، دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

m.mazinani@sndu.ac.ir

^۲ دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران، ایران. haliakbary1341@gmail.com

^۳ استادیار، دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا، تهران، ایران. m.akraminia@iran.ir

^۴ دانشیار، دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران، ایران. mb.hobbi@iautnb.ac.ir

چکیده

هدف تحقیق حاضر شناسایی و صورت‌بندی نظری فرهنگ علمی تراز مراکز علمی نیروهای مسلح بوده است. فرهنگ وقتی با مرکز علمی و نهاد علم در ساحت‌های تولید، توزیع و مصرف آن پیوند برقرار می‌کند، اقتضائاتی می‌یابد. بازشناسی و توجه به همین اقتضائات، می‌تواند تلاش‌های فرهنگی را پربار و اثربخش نماید. فرهنگ، در پیوند با مراکز علمی نیروهای مسلح نیز از چنین اقتضائاتی برخوردار است. این اقتضائات در آثار مقام معظم رهبری به دلیل شخصیت حقیقی و حقوقی ایشان، بیش از دیگران، پردازش و باغبانی شده است. در این تحقیق، جهت شناسایی و صورت‌بندی نظری «فرهنگ اسلامی مراکز علمی نیروهای مسلح» در آثار مقام معظم رهبری با روش تحلیل مضمون ۳۹۳ اثر منتشرشده از ایشان در قالب بیانات، پیام‌ها، یادداشت و احکام انتصاب مرتبط با نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، شناسایی، فهرست‌بندی و در چند نوبت مطالعه شد. کدگذاری در سه نوبت انجام و ۳۰۹ کد در قالب ۱۱ مضمون سازمان‌دهنده (شامل نیت‌های علمی، سیاست‌گذاری فرهنگی، چشم‌اندازها و افق‌های علمی، پیشران‌های علمی، سرمشق بودن دین و ایمان، بازمهندسی نظام آموزشی و...) دسته‌بندی و در مضمونی فراگیر با عنوان «فرهنگ اسلامی مراکز علمی نیروهای مسلح» صورت‌بندی نهایی شدند. بررسی مفاهیم و مضامین تحقیق نشان می‌دهد که فرهنگ اسلامی تراز نیروهای

پژوهش حاضر برگرفته از: رساله دکتری با عنوان «طرح راهبردی ارتقاء فرهنگ اسلامی در مراکز علمی (مطالعه موردی: دانشگاه‌های افسری آجا)» می‌باشد.

استناد به این مقاله: مزینانی، مهدی؛ علی اکبری، حسن؛ اکرمی نیا، محمد؛ حبی، محمدباقر (۱۴۰۴). فرهنگ اسلامی مراکز علمی نیروهای مسلح در منظومه فکری مقام معظم رهبری. مطالعات فرهنگی/اجتماعی حوزه، ۱۹(۱)، ص ۲۴۵-۲۶۶.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۰۶؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۱۰/۲۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۲۹؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۱/۲۰

https://gnoe.bou.ac.ir/

ناشر: انجمن علمی مطالعات اجتماعی حوزه

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان.





مسلح در آثار مقام معظم رهبری منظومه‌ای هدفمند و چندوجهی را تشکیل می‌دهد که می‌تواند جهت‌بخش برنامه‌ها و فعالیت‌های فرهنگی در سطح نیروهای مسلح باشد. همچنین این فرهنگ با توجه به تجربه عملکردی موافقی که در نیروهای مسلح داشته، می‌تواند الگویی برای دیگر مراکز علمی کشور فراهم نماید، تا با بهره‌گیری از آن، رشد علمی خود را بهبود بخشند.

واژه‌های کلیدی: مقام معظم رهبری، فرهنگ علمی، سیاست‌گذاری فرهنگی، نیروهای مسلح، آموزش نظامی.

۱. مقدمه

امروزه «علم» به عنوان نهادی با توان و امکان نقش آفرینی دوگانه، مورد توجه بسیاری از نظام‌های اجتماعی توسعه یافته یا هواخواه رشد و پیشرفت قرار گرفته است. برخی به این نهاد توجه دارند؛ چراکه آن را دارای اصالت و موضوعیت یافته و برای آن، ارزش ذاتی و ماهوی در نظر می‌گیرند و برخی دیگر، افزون بر این یا به جز این، به نقش ابزاری و میانجی آن در رسیدن به جایگاهی بهتر و بالاتر از امروز توجه دارند. دستاورد هر دو نگاه، رشد تأملات نظری و توجهات عملی به ماهیت علم و چگونگی کاربست آن در جامعه و نظامات مختلف اجتماعی از جمله نظام اقتصادی، نظام سیاسی، نظام فرهنگی و حتی نظام دفاعی-امنیتی بوده است. برآیند این نگاه‌های گوناگون را می‌توان در دو مسیر، ترسیم نمود: یکی مسیری که عمدتاً در غرب پیموده شده و با خصوصیات چگونگی ارزش‌زدایی از نهاد علم، بی‌طرفی، واقع‌گرایی و مانند اینها معرفی می‌شود و ادعا دارد از جهت زمانی و مکانی، فرامرزی بوده و تنها مسیر درست و تجربه شده برای زندگی بهتر و آرمانی است و دیگری، مسیری که می‌کوشد ملاحظات بومی را در نهاد علم، مؤثر و مرتبط معرفی کند که البته در سطح و میزان آن، مناقشه بسیار است. رویکرد اخیر، مدعی است نهاد علم در مسیر نخست به بن‌بست رسیده یا می‌رسد و فرجامی جز سلب آرامش از انسان ندارد؛ حتی اگر به آسایش بینجامد. یا دست‌کم این مسیر نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای دیگر جوامع باشد؛ چراکه از پایه، بنیان‌های جهان‌شناختی، انسان‌شناختی و ارزش‌شناختی متفاوتی داشته و با هر زیست‌بومی همخوان نیست.

صورت‌بندی نظری مسیر دوم در جامعه ایرانی به شکل‌گیری ادبیاتی چون «علم دینی» یا «علم اسلامی» و «علم بومی» انجامیده است. وصف «دینی و اسلامی بودن» علم مطلوب نظام جمهوری اسلامی را می‌توان زائیده نگاه فرهنگی به ساحت‌های گوناگون زندگی اجتماعی دانست که چون دین و خصوصاً اسلام را در این فرهنگ، جان‌مایه و جزء ماهوی می‌بیند؛ به ناچار هر رکنی از جامعه که بخواهد در این جغرافیا و سپهر سیاسی، قوام و دوامی پیدا کند، بایستی در پایین‌ترین سطح، صبغه و رنگی از فرهنگ دینی را با خود داشته باشد و در بالاترین سطح که احتمالاً آرمانی و موکول به شکل‌گیری آرمان‌شهر مهدوی است، بایستی کاملاً منطبق با فرهنگ یادشده باشد. از اینجا رابطه‌ای و بلکه روابطی بین دو نهاد کلان و محوری یعنی «فرهنگ» و «علم» شکل می‌گیرد که در چارچوب‌های نظری گوناگونی به بحث گذاشته شده است. یکی از این چارچوب‌ها، «فرهنگ علمی» است که می‌توان دو خوانش (قرائت) صفت و موصوفی یا مضاف و مضاف‌الیهی از آن داشت. خوانش نخست، یعنی خوانش صفت و موصوفی، فرهنگ را عرصه‌ای دارای قوانین و قواعد و نظامات قابل مطالعه و احتمالاً مدیریت یا دست‌کم سیاست‌گذاری می‌بیند و خوانش دوم، به باورها، ارزش‌ها رفتارها و آداب یا تمامی آنچه «فرهنگ» را تشکیل داده و آن را می‌سازد، اشاره دارد که ناظر بر نهادی به نام «علم» در معنای محدود پوزیتیویستی یا معانی فراخ‌تر از آن است؛ به گونه‌ای که بر رشد و پویایی یا ایستایی یا حتی میرایی نهاد یادشده اثرگذار است و با آن در پیوند و ارتباط می‌باشد.



۲. بیان مسئله

«فرهنگ علمی» در معنای مضاف و مضاف‌الیهی آن، پیشینه‌ای دیرینه در سنت و سیره اسلامی دارد. آنچه بازتولید این فرهنگ را بایسته می‌کند، افزون‌بر بایسته‌های ذاتی، دگرگونی‌های پیرامونی و تحولات درونی و بیرونی نهاد علم و گسست‌هایی است که امروزه در کنش‌گران علمی، اعم از سیاست‌گذار و استاد و دانشجو/دانش‌آموز، می‌توان مستند کرد. اما بالاتر از اینها، اهمیت و محوری است که جمهوری اسلامی به نهاد علم و عالمان برای طراحی و عملیاتی نمودن گام‌های اول و دوم انقلاب خود به‌سمت تمدن نوین اسلامی داده و این توجه را در قالب اسنادی چون نقشه جامع علمی کشور متجلی نموده است. در این مسیر، تمام توان و امکان کشور، بسیج شده و سهمی نیز برای نیروهای مسلح پیش‌بینی شده است. طبیعت نسبتاً متفاوت نیروهای مسلح، خصوصاً در نسبتی که می‌توانند با نهاد علم در سطح تولید یا توزیع یا مصرف علم برقرار کنند، سخن گفتن از «فرهنگ علمی اسلامی در مراکز علمی نیروهای مسلح» را توجیه‌پذیر می‌کند. لایه‌های فرهنگ از جمله مفروضات و باورها، ارزش‌ها، هنجارها، آداب و مناسک و رفتارها و نمادها یا هر عنصر دیگری که تشکیل‌دهنده فرهنگ شمرده می‌شود، در نیروهای مسلح «می‌تواند» و گاهی «باید» متفاوت باشد. این ضرورت و «باید» را می‌توان با استناد به نگاه متفاوتی که اسلام و آموزه‌های اسلامی به فضای جهاد و دفاع دارد توجیه، تبیین، مستدل و مستند کرد. همچنان‌که این تفاوت فضا، شکل‌گیری و رشد نظام فقهی و احکام و عقاید و اخلاق جهادی و دفاعی را با هویتی متمایز، موجب شده است؛ تفاوت تمام یا بخشی از فرهنگ و نظام فرهنگی مرتبط با این فضا را نیز «می‌تواند» یا «باید» موجب شود. این تفاوت‌ها را بایستی بازشناسی و صورت‌بندی کرد؛ چراکه نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در زمان حاضر از مرحله توزیع و مصرف علم به مرحله تولید آن، گذری جدی داشته‌اند و فرهنگ یادشده و تقویت و بهبود آن می‌تواند رهسپاری در این مسیر را کم‌هزینه نماید و همچنین، ساختارهای فرهنگی چندگانه‌ای در سطح نیروهای مسلح و از جمله نهادهای علمی و مراکز دانشگاهی آن برای بازتولید و بازیابی این فرهنگ، در حال برنامه‌ریزی و تلاش هستند که اگر برنامه‌ها و فعالیت‌های آنان با فرهنگ یادشده، هم‌افزا و هم‌راستا باشد دستیابی به رشد علمی روزافزون و جبران عقب‌ماندگی‌های تاریخی، دور از انتظار نخواهد بود. منظومه فکری مقام معظم فرماندهی کل قوا برای شناخت این فرهنگ، ارجحیت و اولویت دارد؛ از این جهت که آبشخور فکری ایشان در مقام ولایت فقیه، منابع غنی و اصیل اسلامی است و در مقام رهبری امت و فرماندهی نیروهای مسلح، مسئولیت بیان و تبیین این آموزه‌ها را دارند. از سوی دیگر، هم شخصیتی علمی داشته و هم مرتبط با کنش‌گران نهاد علم، اعم از حوزوی و دانشگاهی و جز آن هستند. در چارچوب مسئله یادشده، می‌توان پرسشی به این شرح را صورت‌بندی نمود: فرهنگ اسلامی تراز مراکز علمی نیروهای مسلح با محوریت مأموریت‌های علمی آنان در منظومه فکری مقام معظم رهبری کدام است؟

۳. چارچوب مفهومی

تعریف فرهنگ و سپس چینش مواضع و یافته‌های تحقیق بر پایه معنایی که از آن مراد می‌شود، تقریباً سرآغاز تمام تحقیقاتی است که در حوزه فرهنگ انجام می‌شود. «از فرهنگ، تعاریف متعددی ارائه شده که محدود به بازی‌های زبانی نیست، در تعاریف مطرح‌شده، معانی متعددی مورد نظر است که شناسایی فرهنگ با هریک از آنها به دستاوردهای متفاوتی منجر می‌شود» (موسی‌پور، ۱۳۹۲، ص ۸). رسمی‌ترین و احتمالاً تنها تعریف حکومتی از فرهنگ، تعریفی است که در سند مصوب «نقشه مهندسی فرهنگی کشور» درج و چنین آمده است: «نظام‌واره‌ای است از «عقاید و باورهای اساسی»، «ارزش‌ها، آداب و الگوهای رفتاری ریشه‌دار و دیرپا» و «نمادها» و «مصنوعات» که ادراکات، رفتار و مناسبات جامعه را جهت و شکل می‌دهد و هویت آن را می‌سازد» (نقشه مهندسی فرهنگی کشور، ۱۳۹۲، ص ۳). فرهنگ با هر معنایی از جمله معنای منتخب، سطوح گوناگونی دارد. پیروزمند، فرهنگ را در سه سطح بنیادی، عمومی و تخصصی تحلیل و فرهنگ تخصصی را چنین تعریف کرده است: «آن دسته از ارتکازات و پذیرش‌های اجتماعی است که تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان آن، افراد محدودی از جامعه هستند که دارای سطح تحصیلات و سواد بالاتری می‌باشند. اطلاعات تخصصی، اطلاعاتی است که هم افراد کمتری به آن محتاج بوده و هم افراد محدودتری به آن امکان دسترسی دارند» (پیروزمند، ۱۳۸۶، ص ۹۸). یکی از زیرمجموعه‌های فرهنگ تخصصی، فرهنگ جاری و حاکم و البته متمایز در مراکز آموزشی و علمی، خصوصاً مراکز دانشگاهی است که با رویکرد فرهنگی-اجتماعی، چارچوب نظری «فرهنگ علمی»، برای تحلیل و بررسی آن می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. رهیافت فرهنگ علمی، معطوف به رویکرد اصالت فرهنگی یا اندیشه‌گرایی در زمینه تولید علم است. در زمینه تولید علم، دو رویکرد کلی وجود دارد (Scheler, 2012, p. 100):

الف. رویکرد اصالت اقتصادی یا عمل‌گرایی: این دیدگاه بر بنیادهای اقتصادی و مادی دانش تأکید کرده و معتقد است علم به مثابه ابزاری برای توسعه مادی انسان، روز به روز کامل‌تر می‌شود و ارزش آن در افزایش سود و منفعت بشری است. امروزه کاربرد گسترده علم و دانش در اقتصاد مدرن، موجب تغییر نگرش از اقتصاد متکی به منابع، به اقتصاد دانش‌محور شده است (Smith, 2002, p. 43؛ فضل‌اللهی و ملکی‌توانا، ۱۳۹۰، ص ۱۱۶).

ب. رویکرد اصالت فرهنگی یا اندیشه‌گرایی: در این دیدگاه بر اهمیت جهان‌بینی در ظهور علمی و رشد علمی کشورها تأکید می‌شود. براساس این دیدگاه، علم قبل از به دست آوردن استقلال ذاتی به‌عنوان یک نهاد اجتماعی، به منبع بیرونی مشروعیت نیاز داشت. در قرن هفدهم، ارزش‌های مذهبی و تا حدی تأکید بر ارزش نهادینه‌شده سودمندی، این مشروعیت را فراهم ساخت. این دیدگاه، هنجارها و ارزش‌های فرهنگی را زمینه اجتماعی مؤثر بر علم می‌داند که زمینه مشروعیت و توسعه علمی را فراهم می‌کند. ذیل رویکرد دوم نیز دو نگاه وجود دارد:



در يك دیدگاه، بر وجوه نرم‌افزاری تأثیرگذار بر علم در قالب عوامل پس‌زمینه‌ای و پیش‌زمینه‌ای تأکید می‌شود (افروغ، ۱۳۹۵، ص ۷۰). در نگاه دوم، منتقدان رویکرد برون‌گرایانه جامعه‌شناسی علم معتقدند جامعه و ابعاد و اشکال متنوع آن تنها بر حجم، شکل، شدت و نحوه استفاده از علم مؤثر نیست؛ بلکه محتوای معرفت علمی را نیز تا اندازه‌ای تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این رویکرد، علم محصولی اجتماعی و فرهنگی است و این بدان معنا است که زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی، تنها امکان بروز و ظهور علم را فراهم نمی‌کند؛ بلکه علم، صبغه این زمینه‌ها را نیز به خود می‌گیرد و این تعبیری از علم بومی است. با پذیرش این رویکرد، نمی‌توان علم زائیده شرایط دیگری را آورد و در جای دیگری استفاده کرد (همان، ص ۷۳). بر این پایه، فرهنگ، با نهاد علم پیوندهایی دارد که دامنه و گستره آن می‌تواند بسته به زیست‌بوم آنها و البته نگرش کنش‌گران فرهنگی و علمی، متفاوت باشد؛ اما ظاهراً نمی‌توان ادعای گسست رابطه و پیوند این دو را از این جهت که بخشی از آن در عالم ذهن و حیطه فکر کنش‌گران علم رخ می‌دهد، به‌سادگی اثبات کرد و پذیرفت. برآیند این استدلال، ظهور ترکیبی اضافی (مضاف و مضاف‌الیهی) با عنوان «فرهنگ علمی» است. فرهنگ علمی، ارزش‌ها و هنجارهایی است که کنش‌گران علم در جهت تولید و توسعه علم به‌کار می‌گیرند (قانع‌راد، ملکی و محمدی، ۱۳۹۲، ص ۳۲)؛ به تعبیر دیگر، فرهنگ علمی، هنجارها، ارزش‌ها، عقاید، گرایش‌ها و عادات بارز جامعه علمی است.

از دیدگاه‌های ایرانی به بحث حاضر، می‌توان نگاه هراتی (۱۳۷۶) را مطرح نمود که با رویکردی کالبدشکافانه نسبت به فرهنگ علمی، عناصر متعدد آن را چنین برمی‌شمرد:

«(۱) آگاهی از ماهیت و اهداف علم و فن‌آوری از جمله ریشه‌های تاریخی و ارزش‌های شناخت‌شناسی و عملی آن؛

(۲) شناسایی شیوه کارکرد عینی علم و فناوری به‌ویژه امور مالی تحقیق، کارهای علمی مناسب و کاربرد کشفیات جدید؛

(۳) حداقل درک از شیوه‌های تحلیل داده‌های رقمی به‌ویژه در زمینه آنچه مربوط به حساب احتمالات و آماری شود؛

(۴) نوعی آشنایی با اصول و قواعد در چند زمینه علمی به‌ویژه در زمینه‌های بین‌رشته‌ای از قبیل ماده و انرژی، اطلاع‌رسانی، محیط زیست و ...؛

(۵) شناخت تأثیرات متقابل بین علم، فن‌آوری و جامعه از جمله نقشی که دانشمندان و تکنسین‌ها به‌عنوان کارشناس در جامعه ایفاء می‌کنند و همچنین، ساختار فرآیندهای مطلوب در زمینه تصمیم‌گیری سیاسی؛

(۶) استعداد روزآمد کردن دانش‌ها و اطلاعات و درصدد کسب اطلاعات جدید برآمدن».

دین اسلام و فرهنگ برآمده از آن در نگاه نخست و مستند به گزاره‌های قرآنی و روایی بسیاری که درباره علم و علم‌آموزی وارد شده، دارای نسبتی مستقیم، مؤثر، ممتاز و متمایز در پایه‌گذاری و ایجاد



رونق علمی در مقام مقایسه با دیگر ادیان و فرهنگ‌های دینی معرفی می‌شود؛ اما دیدگاه‌های دیگری نیز در این رابطه وجود دارد، از جمله اینکه اگر چنین تأثیری از ناحیه اسلام وجود داشته، چرا تنها محدود به دو یا سه سده سوم و چهار و پنجم هجری قمری بوده و در دیگر دوره‌های زمانی یا قلمروهای زمینی، نتوانست جهان اسلام را از رکود علمی خارج نموده و شکوفایی و رونق را در آن ایجاد نماید؟ به نظر عیوضی (۱۳۸۳، ص ۴۵)، پاسخ تکراری اما صحیح، آن است که رسوخ نیافتن فرهنگ دینی در رفتارهای فردی و اجتماعی، همچنان ادامه دارد و تا زمانی که بستر مناسب فراهم نباشد، انتظار نقش‌آفرینی (فرهنگی) دین در وسعت و عمقی که در توانایی آن می‌باشد، انتظاری عبث خواهد بود. با پذیرش این مباحث، پرداختن به چگونگی اثرگذاری آموزه‌های فرهنگ علمی اسلامی اولویت می‌یابد. دیدگاه‌های مطرح در این زمینه را می‌توان در چند محور دسته‌بندی کرد:

۴. فرهنگ علمی اسلامی ارزش‌آفرین و هنجارساز

در این رویکرد، فرهنگ اسلامی بیشتر به‌عنوان متغیری دیده می‌شود که با ارزش‌آفرینی و هنجارسازی، روندهای تولید و توزیع و مصرف علم را تقویت کرده و جهت داد. برای نمونه، ارزش‌هایی چون تواضع، صداقت، ارج نهادن به آگاهی و گفت‌وگو به جای جهل و خشونت را از عوامل مهم و مؤثر بر رشد علمی به‌شمار آورده‌اند که اسلام به آنها پرداخته است (عیوضی، ۱۳۸۳، ص ۴۵).

۴-۱. فرهنگ علمی اسلامی مبناساز

این رویکردها تأثیر فرهنگ علمی اسلام بر شکوفایی یا رکود علمی را پیچیده‌تر و مبنایی دیده و تلاش دارند با فروکاهش مستندات و نمودهای مشاهده‌پذیر به بنیان‌ها و سازه‌های انتزاعی، نظری و تخصصی، سطوحی پنهان و زیرین از این ارتباطات را ترسیم نموده و به‌تصویر بکشند. داوری اردکانی اگرچه این بحث را ذیل سازه مفهومی «اخلاق علمی» توجه نموده، به‌نظر می‌رسد مستند به سیاق کلام، معنایی متفاوت یا مغایر با فرهنگ علمی در نظر ندارد. ایشان معتقد است: «می‌توان اهل علم در این زمان را دو گروه دانست: گروهی که شغل علمی دارند و کاری که در آموزش و پژوهش می‌کنند، ادای وظیفه اداری و شغلی آنها است و اگر این وظیفه را به‌درستی انجام دهند، اخلاقی عمل کرده‌اند؛ ولی اخلاقشان اخلاق شغلی و حرفه‌ای است. اما گروه دیگر، بسته علم هستند؛ اینها نیز شغل معلمی دارند و کاری که می‌کنند ادای وظیفه شغلی است؛ اما نگاهشان به علم و نسبتی که با آن دارند، نگاه به شغل و نسبت با شغل نیست. آنها زندگی‌شان به علم بسته است و غم علم می‌خورند. وظیفه اخلاقی دانشمند هم در شرایط کنونی، غمخواری علم است» (داوری اردکانی، ۱۳۹۷). برپایه ادبیات پیش‌گفته، می‌توان چنین استنباط و استدلال کرد که هرچند «فرهنگ علمی» به جهت نظری در کشاکش مرزبندی و صورت‌بندی است، سازه‌ای مفهومی یا دست‌کم اصطلاحی با توان تبیین و توصیف مناسب و راه‌گشا و حتی کارگشا برای فهم نهاد علم و نسبت آن با فرهنگ است. وضع کنونی «فرهنگ علمی» در مقام نظری را نمی‌توان برآمده از



ضعف و کم‌توانی تحلیلی و نظری آن دانست؛ چراکه اگر به اجزایش یعنی «فرهنگ» و «علم»، تجزیه و گسسته شود؛ تأیید خواهد شد که ارکان و اجزایش نیز همچنان به جهت نظری، معنایی و حتی مصداقی، شناور و سیال هستند و نمی‌توان از چنین عناصری، تشکیل ترکیب اتحادی و حتی انضمامی را انتظار داشت. اما با این همه و با توجه به آنچه در بخش ادبیات گفته شد، فهم و درکی از آن وجود دارد و می‌توان مصداق‌هایی برای آن برشمرد؛ مصداق‌هایی که با هر ماهیت و عنوانی (عنصر، ویژگی، مؤلفه، بُعد، شاخص ...)، می‌تواند ابزاری تحلیلی در خدمت جامعه پژوهش‌گر، تصمیم‌گیر و سیاست‌گذار قرار داده و به راهبری نهاد علم و پیشگیری از افسارگسیختگی آن کمک نمایند.

۵. پیشینه پژوهش

برزگر (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «معماری علم، فناوری و نوآوری جمهوری اسلامی ایران، به‌منظور دستیابی به مرجعیت علمی در افق ۱۴۴۰» که با تلفیق دو روش مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی انجام شده، به این نتایج رسیده است: اقتدار جهانی و الهام‌بخشی با تکیه بر منابع و ظرفیت‌های داخل کشور، مهم‌ترین مؤلفه تصویر مطلوب ممکن؛ تقویت آرمان‌خواهی و روحیه و اعتمادبه‌نفس ملی در مسیر تمدن نوین اسلامی، مهم‌ترین مؤلفه نقش‌ها؛ وحدت و همدلی در عرصه نفع و درون‌زایی علمی با تکیه بر جوانان و نخبگان، مهم‌ترین مؤلفه ویژگی‌ها؛ حکمرانی، مهم‌ترین مؤلفه ساختار؛ بازمهندسی، مهم‌ترین مؤلفه روابط میان ساختار و اجزای نفع به‌منظور دستیابی به مرجعیت علمی و تغییرات فناوری؛ و بحران‌های حوزه منابع، به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه کلان‌روندهای جهانی و ملی هستند.

باقرزاده (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «تبیین مبانی و اصول مدیریت راهبردی دانش مبتنی بر آموزه‌های دین مبین اسلام» که با هدف تبیین مبانی و اصول مدیریت راهبردی دانش از منظر اسلام با بهره‌گیری از تفسیر «تسنیم» و کتاب روایی «میزان الحکمه» و با روش تحقیق نظریه‌مبنایی نشان داد که هدف اصلی خلقت بشر ارتقاء دانش و معرفت او است. انسان برای دستیابی به هدف خلقت به کسب و به‌کارگیری دانش نیازمند است و برای تأمین زندگی دنیا و آخرت خود به دانش، توصیه اکید شده است. همچنین دانش در اسلام از سطح پایین آن که مربوط به عالم دنیا بوده و نیازمند ابزار مادی است و از آن به دانش تجربی یاد می‌شود، آغاز و به سطوح بالاتر که ابزارها و روش‌های دیگری به‌جز روش‌ها و ابزار مادی دارد و ماندگاری و ارزشمندی بیشتری دارد، می‌رسد.

عباسی تقی‌دیزج (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «تحلیل تطبیقی-کیفی عوامل مؤثر بر تولید علم در سطح کلان» که با استفاده از منطق فازی انجام شده، نشان داد تکرر کنشگر علمی تنها در شرایطی ممکن است سبب توسعه علمی شود که جامعه از نظر داشتن اقتصادی پویا و مبتنی بر تولید در شرایط مطلوبی باشد و ضمن ادغام متقارن در نظام جهانی، از بُعد اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، توان رقابت‌پذیری زیادی در عرصه بین‌المللی داشته باشد.

غروی نائینی، مصطفوی‌فرد و مصطفوی‌فرد (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «ارتقای فرهنگ علم‌ورزی



در دانشگاه اسلامی؛ راهکارها، آفت‌ها و موانع» بایسته‌ها و چالش‌های سخت‌افزاری و نظری پیش‌رو برای تحقیق فرهنگ علم‌ورزی و دانش‌محوری را تبیین کرده و معتقدند راهکارهای تحقق این فرهنگ، عبارتند از: ایجاد فرهنگی دانش‌محور با شاخص‌های آزاداندیشی دینی، ایجاد اندیشه مذهبی، ضرورت اندیشه و تفکر، خلاقیت و بالندگی عالمان محقق و تلاشگر در آموزش عموم مردم، مناظره، کرسی‌های نظریه‌پردازی، پرهیز از فکر ترجمه‌ای، شبهه‌شناسی، جایگزینی فرهنگ تولید به جای فرهنگ مصرف و تأکید بر مؤلفه‌های دینی و انگیزه‌های ایمانی، تحولات آموزشی با شاخص‌های اصلاح و بازنگری و تدوین متون درسی، تخصصی شدن، حرکت به سوی نظام آموزشی پژوهش‌محور و تجهیز بُعد نظری دانشجویان به بینش اسلامی، تحولات پژوهشی و درنهایت، تحولات مدیریتی.

فضل‌اللهی و ملکی توانا (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «توسعه تولیدات علمی دانشگاه‌ها و اولویت‌بندی رهیافت‌های فرهنگی و مدیریتی» از فرهنگ‌سازی برای ایجاد یک جامعه علمی به معنای واقعی کلمه و نهادینه‌شدن علم، سپردن مدیریت مراکز علمی به افراد فرهیخته و برخورداری از مشی علمی، پرهیز از مدیریت سیاسی و جناحی در مراکز علمی به عنوان اولویت‌دارترین رهیافت‌های فرهنگی توسعه تولیدات علمی یاد کرده است.

۶. روش پژوهش

پژوهش حاضر جزء پژوهش‌های تفسیری بوده و با روش تحلیل مضمون انجام شده است. معمولاً در پژوهش‌هایی که تعداد متون و داده‌های آنها زیاد باشد (مثلاً ۱۰ تا ۳۰ منبع) از روش «قالب مضامین» استفاده می‌شود. در این روش، فهرستی از مضامین شناخته‌شده در ادبیات نظری و یا استخراج‌شده از متن داده‌ها به صورت درختی و سلسله‌مراتبی تنظیم می‌گردد (کمالی، ۱۳۹۷، ص ۱۹۴). سه گروه از آثار مقام معظم فرماندهی کل قوا برای گردآوری اطلاعات مورد نیاز در پژوهش کنونی و آماده‌سازی آنها برای تحلیل مضمون مورد استفاده قرار گرفت که عبارتند از: بیانات، پیام‌ها، یادداشت‌ها و احکام انتصاب فرماندهان و مسئولان ارشد نیروهای مسلح. ملاک و معیار انتخاب آثار یادشده، ابتدا توجه به مخاطب آنها و سپس ارتباط موضوعی آنها با نیروهای مسلح رسمی کشور بوده است. بر این پایه، آثاری که در جمع نظامیان و خطاب به آنان (از جمله فرماندهان و مسئولان، عموم کارکنان، گروه‌های خاصی از نظامیان مانند دانشجویان دانشگاه‌های نیروهای مسلح) تولید شده، انتخاب شد. بازه زمانی آثار منتخب، دوران زعامت ایشان (خردادماه ۱۳۶۸) تا پایان سال ۱۴۰۱ هجری شمسی بوده است. مجموعاً ۳۹۳ منبع اعم از بیانات، پیام‌ها/یادداشت‌ها و احکام انتصاب، از وبگاه رسمی آثار مقام معظم رهبری^۱ استخراج و برای کدگذاری و تحلیل، آماده‌سازی شد. آثار مربوط به هر سال، در یک فایل متنی جداگانه آماده‌سازی و

1. www.khamenei.ir



فهرستی از آثار منتخب فراهم گردید و برای هریک از آثار، شماره ردیفی اختصاص یافت. کدگذاری اولیه، به ترتیب از سال ۱۳۶۸ به بعد با بهره‌گیری از راهنمای قراردادی جدول شماره (۱) انجام شد.

جدول ۱- کدهای قراردادی

علامت اختصاری	دلالت
C	نشانه کد
K	نشانه تعلق اثر به مقام معظم فرماندهی کل قوا
B	نشانه ارتباط کد با بیانات
Y	نشانه ارتباط کد با یادداشت‌ها و احکام انتصاب
P	نشانه ارتباط کد با پیام‌ها

بر این پایه، کدهایی فراهم گردید که دارای دو بخش حرفی (لاتین) و شماره‌ای بود: حرف نخست لاتین، نشان‌گر کد اولیه بودن؛ حرف دوم لاتین، نشان‌گر ارتباط آن با یکی از آثار مقام معظم رهبری؛ و حرف سوم آن، نشان‌گر ماهیت اثر (بیانات/ یادداشت/ پیام) است. بخش شماره‌دار نیز گاهی دو زیربخش پیدا کرد: زیربخش نخست که شماره‌ای بین (۱ تا ۳۹۳) است، و به شماره ردیف منبع مورد استفاده اشاره دارد و زیربخش دوم که شماره‌ای بین (۱ تا بیست و یک) است، به تعداد کدهایی اشاره دارد که به ترتیب از یک منبع استخراج شده است. بنابراین، معنای کد CKB85/10 چنین است: دهمین کد از منبع شماره ۸۵ که برگرفته از بیانات مقام معظم رهبری است. گفتنی است برای تأمین اعتبار این بخش، پس از آماده‌سازی آثار در قالب فایل متنی و شماره‌گذاری آنها، متن‌ها از سوی محقق، مطالعه، بازخوانی و چندباره خوانی کامل و کدگذاری اولیه شد که تعداد ۳۳۵ مفهوم به دست آمد. برای نوبت دوم نیز افزون‌بر گذری به تمام متن‌های آماده و بررسی و احیاناً اصلاح مفاهیم، خصوصاً مفاهیم همانند یا نزدیک به هم، بازخوانی و بررسی تناسب کدگذاری آن دسته از آثاری که غنای بیشتری برای تحقیق داشتند، با دقت و تأمل بیشتری انجام شد و در نوبت سوم، متن‌هایی به صورت تصادفی، برای بازبینی و بازنگری انتخاب شد. در این فرآیند تعداد ۲۶ مفهوم حذف و ۳۰۹ مفهوم باقی ماند و برای هریک، کدی تعریف شد که نمونه‌ای از آن در جدول شماره (۲) آمده است.

جدول ۲- برشی از کدگذاری‌ها

شماره منبع	مضامین پایه	کد
131	علم‌آموزی برای اداره علمی کشور	CKB131/1،
131	جدیت در درس و مطالعه	CKB131/2،
131	گرامی داشتن فضاهای دینی	CKB131/3،
131	معاشرت با افراد خردمند و فاضل	CKB131/4،
147	علم‌آموزی برای شرکت در پیشرفت ملت و کشور همراه ایمان‌افزایی	CKP147/1،
147	حراست از سنگر دانشگاه در برابر دشمن	CKP147/2،
150	تقوای علمی {مراقب درستی کار و عمل}	CKB150/1،



پس از اطمینان از اینکه اصلاحات و بازنگری جدی و اساسی برای کدها نیاز نیست، تحقیق وارد مرحله بعدی، یعنی جستجو و شناخت مضامین سازمان‌دهنده شد. در این مرحله، تعداد ۱۱ مضمون سازمان‌دهنده تعریف شد. نمونه‌ای از مضامین سازمان‌دهنده و مضمون فراگیر استخراج‌شده در جدول شماره (۳) آمده است.

جدول ۳- برشی از مضمون‌های سازمان‌دهنده

مضمون سازمان‌دهنده	کدها	مفاهیم
نیت‌های علمی	CKB2/1، CKB14/2، CKY46/1، CKB47/3، CKB57/1، CKB58/1، CKB57/2، CKP59، CKB60، CKB70/2، CKB72/1، CKB72/2، CKB75، CKB81/4، CKB85/2، CKB96/3، CKB97/3، CKB97/4، CKB105، CKB107/1، CKB109/1، CKB109/3، CKB119/4، CKB121/1، CKB128/1، CKB128/3، CKB189، CKB195، CKB190/1	تسریع در همت؛ تربیت انقلابی؛ تلاش دلسوزانه و ابتکارآمیز؛ انقلاب و ایمان عمیق عامل استقلال علمی؛ مغز نافذ و خلاق و چشم دقیق برای پیشرفت در کار؛ باور به علمی بودن آموزش‌های نظامی؛ خودباوری و باور به توان علمی؛ شوق و ولع علم‌آموزی نظامی؛ آموزش معطوف به تهدیدهای اعتقادی؛ موهبت بودن علم؛ انکاء به نفس و کشف قدرت درونی و ذاتی و نفسانی؛ تکیه به توان خودی؛ خودباوری؛ توجه به توفیقات علمی؛ پاکیزگی علمی؛ وجوب و فریضه بودن کسب دانش؛ درس و تحصیل به‌عنوان مجاهدت و عبادت؛ عشق به کار؛ کار برای خدا.

هرچند تعداد و کمیت کدهای تشکیل‌دهنده مضامین، در تحلیل مضمون موضوعیت ندارد، اما اشاره به آن می‌تواند اشارتی به اهمیت و محوریت هریک از مضامین فراگیر باشد. مضامین سازمان‌دهنده و تعداد کدهای آنها به شرح جدول شماره (۴) می‌باشد.

جدول ۴- فراوانی کدها در مضمون‌های سازمان‌دهنده

ردیف	مضامین سازمان‌دهنده	تعداد کدهای سازنده
۱	نیت‌های علمی	۵۴
۲	افق‌ها و چشم‌انداز علمی	۵۲
۳	پیشران‌های علم‌آفرین	۴۷
۴	سرمشق بودن دین و ایمان	۴۲
۵	مسئولیت‌ها و تکالیف حرکت در مسیر علم	۲۹
۶	سیاست‌گذاری فرهنگی علم	۲۰
۷	خاستگاه‌های علم‌آفرین	۱۸
۸	امتیازات حرکت نیروهای مسلح در مسیر علم	۱۵
۹	پیرایه‌ها و بی‌راهه‌های حرکت علم	۱۳
۱۰	بازمهندسی نظام آموزش	۱۰
۱۱	آرایه‌های علم	۹



در نهایت، مضامین پایه و سازمان‌دهنده، زیر یک مضمون فراگیر به نام «فرهنگ اسلامی مراکز علمی نیروهای مسلح» سازمان‌دهی شد. تأمین اعتبار یافته‌ها نیز بر مبنای «عرضه توصیفی غنی و ثبت سوابق ممیزی» انجام شده است (عابدی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۹۱).

۷. یافته‌ها

مفاهیم و مضامین برگرفته از آثار مقام معظم رهبری در خصوص فرهنگی که باید بر مراکز علمی نیروهای مسلح حاکم باشد، بر چند محور متمرکز است. توصیف این محورها نه تنها برای حرکت در مسیر تأمین اعتبار یافته‌ها، که برای تبیین بهینه و فهمی همسان از آن، جهت بهره‌گیری در فرآیندهای سیاستی و سیاست‌گذاری بایسته است. بر این پایه، هر مضمون فراگیر، تشریح می‌شود.

۷-۱. نیت‌های علمی

جایگاه نیت در فضای فکری و رفتاری اسلامی، موضوعی بدیهی و بی‌نیاز از استدلال و استناد، به نظر می‌رسد و این عنصر جهت‌بخش و تربیت‌کننده و البته سازنده، در تمامی عبادات و حتی مکاسب و مناسک دینی و اسلامی موضوعیت دارد. عنصر پیش‌گفته در ساحت جهاد و دفاع نیز محوریت دارد و بن‌مایه‌های آن را در «جهاد فی سبیل‌الله» می‌توان ردیابی کرد. این عنصر معنابخش در میدان علم و آموزش نیز مورد توجه نهاد دین قرار گرفته و به آن توجه داده شده است. «نخستین آداب و آئین‌های مربوط به معلم و شاگرد که باید به‌عنوان یک امر ضروری و قطعی مورد توجه قرار گیرد، این است که در پویایی از علم و یا بذل و اعطاء آن به دیگران، دارای خلوص نیت باشند؛ زیرا محور و کانون ارزش عمل و رفتار هرکسی بر قصد و نیت و طرز جهت‌گیری او مبتنی است ... بنابراین، لازم است که معلم و شاگرد در اعمال و کوشش‌های خود صرفاً خدا و طاعت از فرمان او و پیراستن خویش از رذائل و ارشاد بندگان خدا به حقایق دین را منظور نهایی خود قرار دهند» (عاملی (شهید ثانی)، ۱۳۷۹، ص ۱۲۰؛ ابن‌جماعه، ۱۳۸۸، ص ۲۸۸). موضوعیت و محوریت این عنصر در نظام آموزش مطلوب و تراز دین، باعث توجه و تمرکز گسترده‌ای به آن شده است. این داعیه در کدهایی که برآمده از تحلیل آثار مقام معظم رهبری نیز مشهود و قابل تأیید است. تبیین‌های ایشان در موضوع نیت و انگیزه‌های تحصیل علم و آموزش در مراکز علمی نیروهای مسلح، نوآوری‌هایی دارد؛ از جمله پایه و بنای نیت و ارزشمندی آن برای کنش‌گران و علم‌ورزان مراکز آموزشی نیروهای مسلح، تنها جنبه‌های فردی و دینی ندارد؛ بلکه به تناسب موقعیت و وضعیتی که دین در ایران زمین پیدا کرده و از ساحت زندگی فردی و گروهی، وارد ساحت‌های زندگی اجتماعی و عمومی شده، چندوجهی شده است. علم‌ورزی به جز ارزش ذاتی و ماهوی که در چارچوب برداشت‌های دینی قابل تأیید و اثبات است، ارزش‌های عرضی و تبعی نیز پیدا کرده است. انگیزه‌های سیاسی، ملی، فردی و آرمانی کنش‌گران حوزه‌های علمی مراکز دفاعی و نظامی از این جهت که ذیل نظام ولایی و اسلامی انجام می‌شود، همان ارزش و اعتباری را دارد که نیت‌ها و انگیزه‌های دینی و مصرح در



متون و آموزه‌های دینی دارند.

۷-۲. افق‌ها و چشم‌اندازهای علمی

چشم‌انداز را می‌توان ترسیم و تصویر وضعیت و موقعیت مطلوب و قابل دستیابی یک مجموعه یا سازمان که با افق زمانی معین در آینده متناسب با مبانی ارزشی (آن جامعه یا سازمان) و محیط مربوطه تعیین می‌شود، تعریف کرد. چشم‌انداز تنها یک پیشگویی از آینده نیست؛ بلکه تصویر یا تحقق اهداف ذاتی و کلان یک مجموعه در مقطع و برشی از زمان معین در آینده است (برش زمانی اهداف). برخی از ویژگی‌های چشم‌انداز عبارت است از: محرک و جلوبرنده، شوق‌انگیز، جهت‌بخش، هماهنگ‌کننده و انسجام‌بخش (دبیرخانه طرح قائم معاونت ط ب ب ستاد کل ن.م (ط/۱۳۲۱/۴۰-۲۲/۴۰/۱۳۸۹/۰۷/۲۰)). این بخش نیز سهم قابل توجهی از کدها با گوناگونی‌های زیادی از تعابیر و اصطلاحات و مفاهیم را به خود اختصاص داده که می‌تواند دلالتی بر اهمیت و موضوعیت این محور داشته باشد. امروزه چشم‌اندازنگاری در حوزه‌های مدیریت کلان، اصلی راهبردی و بدیهی شمرده می‌شود و مورد توجه بازیگران مختلف در سطوح بین‌المللی و ملی و زیرسطوح ملی است. اما تفاوتی که رویکرد مقام معظم رهبری در این حوزه نسبت به دیگران دارد، کثرت افق‌ها از جهت دورنما و بازه زمانی و جنس چشم‌اندازها است که توضیح آن می‌تواند عنایت ایشان به ماهیت و کارکرد چشم‌انداز باشد، چراکه: «مهم‌ترین عامل چشم‌انداز، آرمان‌ها و ارزش‌ها است و در کنار این عامل اصلی، سه عامل محیط، مأموریت و مقدرات نیز اهمیت دارد و چشم‌انداز می‌تواند دارای افق‌های زمانی متفاوتی باشد (سازمان عقیدتی سیاسی آجا، ۱۴۰۱، ص ۲۴). برآیند این دو بخش، توجه اصلی و تمرکز محوری مقام معظم رهبری بر دو رکن حیاتی در حوزه مدیریت راهبردی است: حرکت و جهت حرکت. برای پیشرفت و شکوفایی علمی و غیرعلمی تنها حرکت و انگیزش بسنده نمی‌کند؛ بلکه بایستی این حرکت در مسیر درست و مشخص و روشنی باشد و این هر دو در نگاه ایشان مد نظر و مورد توجه است.

۷-۳. پیشران‌های علم‌آفرین

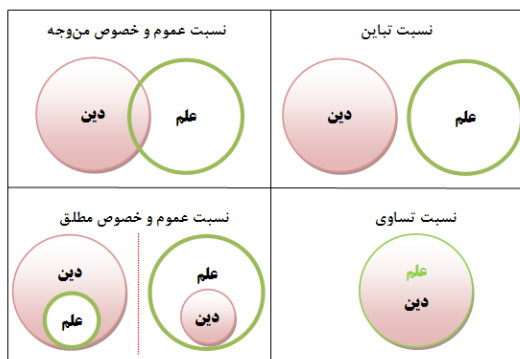
«پیشران» از اصطلاحات حوزه آینده‌پژوهی بوده و در آن حوزه علمی برای تحلیل و بررسی عوامل و عناصری استفاده می‌شود که بر روندهای جاری و برنامه‌ریزی‌شده، اثر گذاشته و آینده‌های متفاوتی را می‌توانند رقم بزنند. این اصطلاح در مقام یک مضمون سازنده می‌تواند قدرت تبیین‌گری خوبی برای نهاد علم ایرانی-اسلامی داشته باشد؛ چراکه این نهاد و ساختارهای نمادین آن مانند دانشگاه‌ها، فرآیندی برای «شدن» را می‌گذرانند و علم و کنش علمی، فعالیتی نیست که از بالندگی و زاینده‌گی دور بماند و اصولاً ماهیتی رو به تکمیل و تکامل دارد. در این مسیر، عناصر و عواملی وجود دارند که می‌توانند این روند را تند یا کند نمایند؛ هرچند متوقف‌سازی آن ناممکن است. عناصر و عوامل یادشده، جنبه‌های بومی و محلی داشته و نیازمند دقت نظر و حاکمیت برخی ارزش‌ها و رویکردها در نگاه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان و



دوری از برخی نگرش‌های منفی برای شناسایی داشته‌ها و راهکارهای کاربردی آنها در مسیر حرکت علمی است.

۷-۴. سرمشق بودن دین و ایمان

در خصوص ارتباط و نسبت دین و ازجمله دین اسلام و حتی فرقه‌ها و مذاهب گوناگون آن و فرهنگ برآمده از آن، با علم در معنای اثبات‌گرایانه به‌طور خاص و معنای پست‌مدرن به‌طور کلی، چند دیدگاه وجود دارد. این دیدگاه‌ها را در مقام تصویری برابر روابط تعریف‌شده در منطق صوری می‌توان در شکل (۱) به تصویر کشید.



شکل ۱- نسبت‌های منطقی علم و دین

با نگاهی دیگر و در مقام تصدیق و مبتنی بر آنچه در واقع، وقوع یافته، با رویکرد ثنائی که دائرمدار نفی و اثبات است، می‌توان دیدگاه‌های ارائه شده را به دو دیدگاه اساسی تقسیم کرد: عده‌ای معتقدند که علم و دین کاملاً با یکدیگر در تعارض هستند؛ یعنی این دو حوزه ماهیثاً معارض یکدیگرند؛ قول دیگر این است که میان علم و دین، تعارضی وجود ندارد؛ بلکه این دو با یکدیگر سازگارند. قائلان به سازگاری، دو گروه هستند: عده‌ای معتقدند علم و دین به دو قلمرو کاملاً متمایز متعلق‌اند؛ زیرا تفاوت میان این دو، چندان زیاد است که تصادم میان آنها محال است و عده‌ای دیگر، طالب راهی بینابین هستند و معتقدند که رابطه میان علم و دین، رابطه دو امر مکمل است. این افراد معتقدند که علم و دین، مواضع تماس دارند، اما مواضع درگیری ندارند (اکبریان، ۱۳۸۱، ص ۲۱-۲۰). در این تقسیم‌بندی، تساوی علم و دین به‌عنوان وضعیتی آرمانی که با بهره‌گیری از آموزه‌های مهدوی قابل طرح و تأیید است، مد نظر قرار نگرفته است. مناسبات فرهنگ اسلامی و علم، با تعریف‌های اثبات‌گرایانه و حتی در مواردی با تعریف منتخب نقشه علمی دفاعی امنیتی ایران، اگرچه در نگاه نخست و با پیش‌فرض‌های یک مسلمان، تأییدی، هم‌سو و هم‌افزا به‌نظر می‌رسد؛ اما در چند دهه اخیر و خصوصاً با استقرار نظام جمهوری اسلامی و طرح گفتمان «علم به‌مثابه قدرت و پیشرفت» با چالش‌ها و تشکیک‌ها یا دست‌کم ملاحظات روبرو شده که به ظهور و



فعالیت یا افزایش حرکت چند جریان انجامیده است. دسته‌بندی‌های چندی از این جریانات با محور قرار دادن دین به‌طور کلی یا تخصیص اسلام و نگاه دوباره به موضوع، صورت گرفته است. خسروپناه (۱۳۹۵) این مناسبات را در چهار دسته تداخل، تباین، تلائم (سازگاری) و تعارض قرار داده است. موحد و حمیدی‌زاده (۱۳۸۸) نیز طبقه‌بندی سه‌بخشی تعامل، تمایز و تعارض را ارائه داده‌اند.

رویکرد و نگاه مقام معظم رهبری در خصوص نسبت فرهنگ اسلامی و علم و کنش علمی را می‌توان در زمره پیوندهای سازگار، اما بایسته این‌همانی و همسانی برشمرد؛ یعنی علمی شایسته نظام جمهوری اسلامی ایران است که با فرهنگ دینی و آموزه‌های اسلامی، همسانی و همانندی داشته باشد. این نگاه برآمده از مبانی و آموزه‌های دینی است که همیشه بر بایستگی حاکمیت دین و ارزش‌های الهی در تمامی مراحل و ساحت‌های علم و کنش علمی، تأکید دارد. به‌نظر می‌رسد تلاش و توجه مقام معظم رهبری به موضوع و موضع یادشده، برآیند همان مسئله و چالشی باشد که امام خمینی نسبت به ولایت فقیه، مطرح نموده و چند عامل ازجمله تلاش‌ها و توطئه‌های تاریخی را عامل تشکیک در اصالت و بدهاوت ولایت فقیه و نیازمندی آن به استدلال برمی‌شمارند. در خصوص نسبت علم و فرهنگ اسلامی یا دین نیز چندین سده کشاکش علم و دین مسیحیت، چنین تصویری را ایجاد کرده که علم و کنش علمی با دین‌داری و معنویت، همخوان و هم‌افزا نیست و این مسئله (اگر وجود و حقیقت داشته باشد) جزء ذاتی و ماهوی هر دین و مسلکی است. ایشان با تکرار موضع سازگاری و بایستگی همسانی و این‌همانی آنها، برای رفع این شک و شبهه تلاش دارند.

۵-۷. مسئولیت‌ها و تکالیف حرکت در مسیر علم

نگاه آموزه‌های دینی به علم و عالم، همان اندازه که همراه با تکریم و بزرگداشت است؛ تکلیف و تعهد نیز در نظر می‌گیرد. این محور البته، در دیگر فضاها و فکری و جهان‌بینی‌ها و نظام‌های ارزشی هم‌پیوند با علم نیز امکان‌رديابی دارد؛ با این تفاوت که نگاه دینی به زمینه‌ها و بنیان‌های شرعی و فقهی پیوند خورده و گاهی مسئولیت علم و عالم، تنها در حوزه اخلاق محدود نشده و به زیست آن‌جهانی نیز پیوند می‌خورد. مفاهیم این بخش، ناظر بر تکالیف شرعی، انقلابی، ملی، فردی، اخلاقی و برخی موارد انسانی مخاطبان است، تا همیشه متوجه این معنا باشند که فضای علم و کنش علمی در نگاه دینی، نعمتی شایسته شکرگزاری و نه منت‌گزاری است و آراستگی به زیور علم، عالم را در برابر دین و اخلاق و انسانیت و جامعه و شخص خودش مسئول و مکلف می‌سازد.

۶-۷. سیاست‌گذاری فرهنگی حوزه‌های علمی

سیاست در اصطلاح عبارت است از: تصمیم پایا که از سوی یک منبع دارای اقتدار مانند یک دولت، یک شرکت یا رئیس یک خانواده اتخاذ می‌شود (شافریتز و کریستوفرپی، ۱۳۹۰، ص ۴۱). این تصمیم هرچه از قدرت سخت فاصله گرفته و به قدرت نرم نزدیک شود، با مفهوم سیاست‌گذاری، تطبیق بیشتری



پیدا می‌کند. سیاست‌گذاری در این رویکرد، تصمیم‌گیری یا برنامه‌ریزی برای دستیابی به اهداف و مقاصد است، بدون استفاده از عناصر سخت و بیرونی قدرت و مدیریت و با چیرگی جنبه‌های نرم و ذهنی آن، به‌گونه‌ای که کنش‌گران با نوعی میل و رغبت در مسیر تعیین‌شده حرکت نمایند. ابزارهای گوناگونی برای این بخش وجود دارد؛ اما آنچه در آثار مقام معظم رهبری و در نسبت با مراکز علمی نیروهای مسلح برجسته‌تر است، توجه به عنصر تشریف و تکریم، الگوسازی و محسوس‌سازی (ملموس‌سازی دستاوردهای علمی) است. برای بخش نخست می‌توان به سیره عملی ایشان اشاره کرد که در طول دوره زعامت، سالیانه در مراکز علمی نیروهای مسلح حاضر و نسبت به تکریم مقام علم و مسیر علمی، خصوصاً علوم دفاعی و امنیتی اقدام کرده‌اند.

۷-۷. خاستگاه‌های علم‌آفرین و امتیازات حرکت نیروهای مسلح در مسیر علم

گوناگونی خاستگاه‌هایی که می‌تواند برای حرکت علمی مورد توجه قرار گیرد، در آثار مقام معظم رهبری نیز مورد توجه و عنایت است. افزون‌بر وحی و نمودهای آن که قرآن و سیره و میراث ارزنده جهان اسلام و تشیع است، تمدن اسلامی در سده‌های طلایی و برخی تجربه‌های خاص و اختصاصی ایرانی مانند دوران دفاع مقدس و حرکت علمی دوره پس از انقلاب و آورده‌های آن، خصوصاً در حوزه‌های دفاعی و امنیتی از این خاستگاه‌های ارزشمند و شایسته بهره‌برداری هستند. این خاستگاه، جنبه عمومی و ملی داشته و هر دستگاه و نهادی از جمله آموزش عالی کشور و حوزه‌های علمیه نیز می‌تواند از آن بهره‌برداری نماید. نیروهای مسلح در ایران، دارای خاستگاه‌های اختصاصی برای حرکت علمی خود هستند که توجه به آنها و ارزش‌گذاری به آنها در فرایندهای تولید و توزیع و مصرف علم می‌تواند شتاب‌بخش حرکت علمی باشد. نوع نگاه مقام معظم رهبری به این خاستگاه‌ها، برجسته‌سازی آنها، پیشگیری از تبدیل شدن آنها به رسوبات و میراث تاریخی و نگهداشت آنها در زیست‌بوم فکری و سیاستی نهاد علم نیروهای مسلح، نکات ارزنده‌ای هستند که می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. تمرکز بر یک عنصر به نام جهاد خودکفایی می‌تواند سهم و نقش آن را در زیست‌بوم فرهنگی تراز نهاد علم مد نظر مقام معظم رهبری ترسیم نماید.

۷-۱. بازمهندسی نظام آموزش

آموزش (رسمی یا غیررسمی) تنها مسیر هم‌پیوند با علم و فرایندهای علمی (تولید، توزیع و مصرف علم) است. بدون طراحی درست این مسیر، شاید انتظار پویایی در نهاد علم (که اگر اصلی‌ترین هدف مراکز آموزشی دانشگاهی نباشد؛ قطعاً یکی از اولویت‌های اصلی و هویت‌بخش آن است) بیهوده بوده و نمی‌تواند محقق شده یا تحقق آن، بسیار دشوار می‌شود. این یافته با یافته‌های برزگر (۱۳۹۸) و نیز یافته‌های غروی نائینی و همکاران (۱۳۹۱) و فضل‌اللهی و ملکی توانا (۱۳۹۰) هم‌خوان است.

۷-۲. آرایه‌های علم و بیرایه‌ها و بیراهه‌های حرکت علم

دلیل کنار هم گذاری این دو مضمون، به پیوندی که مانند دوروی سکه با هم دارند، برمی‌گردد. دنیای



امروز دو چهره از علم را می‌تواند برای نسل امروز به تصویر بکشد: علم شکل گرفته در فضای گفتمانی غرب و علم رشد یافته در دامن جهان اسلام در سده‌های چهار و پنج و شش هجری که به سده‌های طلایی تمدن اسلامی، نامبردار شده است. علم نوین در غرب با محوریت بخشی به عقلانیت ابزاری معطوف به محیط و طبیعت توانست رشدی جهشی پیدا کند؛ اما همان نهاد با گذشت کمتر از چند دهه در سده بیستم به بازاندیشی در خود و بازنگری در مسیرهایی که در پیش گرفته بود پرداخت و برآیند آن، توجه بیشتر به کنارگذاری‌های علم، چون معنویت و معنا بود. البته آسیب‌های این علم، تنها به همان سامان و جهان محدود نشد و کل عالم را در برگرفت. علم از ناحیه خوانش و کارکردی که در غرب پیدا کرد، مورد نقد و انتقاد بسیاری از اندیشه‌وران، از جمله مقام معظم رهبری قرار گرفته است. این علم با چنان خوانشی در ایران حضور یافت، اما نهاده‌ینه نشد. در برابر، جغرافیای ایران‌زمین، گنجینه‌های سترگ و ارزشمندی برای ایجاد یا بازگشت به مسیر علمی داشته که شاید زمانی در وضعیت خرده‌گفتمانی قرار گرفته باشند؛ اما هیچ‌گاه از منظومه گفتمانی حاکم بر نهاد علم ایران کنار نرفته و بی‌تأثیر نشده‌اند. این گنجینه‌ها در برخی جهات و سویه‌ها با علم برآمده از فضای پارادایمی غرب تفاوت دارد. از جمله جزو تجربه، منابع و خاستگاه‌های دیگر و بیشتری برای تولید و رشد علمی می‌شناسد و همزیستی بیشتر و استواری با آنچه غرب در نظام تولید علم خود کنار گذاشت، خصوصاً نظام معنابخش فرامادی و عناصر فرهنگی نشان داد.

۸. نتیجه‌گیری

مسئولیت مقام معظم رهبری در حوزه نیروهای مسلح، ارتباط و حضور مستمر ایشان در سازمان‌های نظامی را موجب شده که برآیند آن، شکل‌گیری ادبیات پربراری خصوصاً با محوریت علوم دفاعی بوده است. واکاوی این ادبیات، می‌تواند نیازهای نظری گسترده‌ای برای نهاد علم و مراکز علمی نیروهای مسلح فراهم نماید. در این تحقیق به تحلیل زیست‌بوم فرهنگی نهاد علم نیروهای مسلح بر مبنای آثار و بیانات ایشان به تعداد ۳۹۳ سند با بهره‌گیری از چارچوب مفهومی فرهنگ علمی پرداخته شد. بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون برای دریافت اطلاعات اسناد، ۳۰۹ مفهوم پایه و ۱۱ مفهوم سازمان‌دهنده را در اختیار گذاشت که شناسایی و صورت‌بندی «فرهنگ اسلامی مراکز علمی نیروهای مسلح» را به عنوان مضمون فراگیر این تحقیق موجب شد. در چارچوب مضمون یادشده می‌توان چنین استدلال کرد که فرهنگ، اگرچه ادبیات گسترده و پربراری پیدا کرده و بهره‌های مفهومی آن بسیار گسترش یافته است؛ به عنوان مقوله‌ای انضمامی، امکان مرزبندی و مرزگذاری کمی دارد. سطح‌بندی فرهنگ به بنیادی و عمومی و تخصصی نیز از این روند و رویه برکنار نیست. بسیاری از عناصر و ویژگی‌هایی که در سطح فرهنگ تخصصی قرار می‌گیرد، در سطح فرهنگ عمومی نیز قابل ردیابی است؛ اما شدت یا سطح یا موضوعیت یا مکان و جایگاه آن می‌تواند متفاوت باشد. این وضعیت البته دلالتی بر نقص و عیب آن ندارد و از توان تبیین‌گری و توصیف‌کنندگی آن نمی‌کاهد. فرهنگ علمی به عنوان گونه‌ای از فرهنگ



تخصصی و همچنین «فرهنگ اسلامی مراکز علمی نیروهای مسلح» که گونه‌ای خاص‌تر از فرهنگ علمی است، می‌تواند همپوشانی‌هایی با فرهنگ عمومی و بنیادی داشته باشد و البته دارد؛ اما همان اندازه تفاوتی که در این زمینه می‌توان برشمرده و شناسایی کرد، برای متمایزسازی آن و هویت‌بخشی متفاوت به آن بسنده می‌کند. این ساحت فرهنگی از سوی مقام معظم رهبری، پروریده، و باغبانی شده و رشد و باری پرمایه داشته است. چنین توفیقی می‌تواند برآیند شخصیت علمی ایشان، نیاز و الزام جایگاه حقوقی ایشان به‌عنوان فرماندهی کل قوا و حساسیت ساحت امنیت و جهاد و دفاع از جهات ملی و دینی باشد. اما گذشته از هر عاملی که این وضعیت را موجب شده، اکنون، تصویری کامل و جامع از فرهنگ مطلوب و تراز مراکز علمی نیروهای مسلح در دسترس است. فرهنگ یادشده، در مراکز علمی نیروهای مسلح، مورد استفاده قرار گرفته و جنبه‌های ترویجی آن نیرومند است. آنچه در این مقطع بایسته بوده، تقویت جنبه‌های نظری آن است، تا قدرت تبیین و تعمیم آنها افزایش یافته و از حصار زمان و مکان خارج شود. رفع یا کاهش اثرگذاری این مسئله، یعنی خلأ نظری در این حوزه، برای شرایط کشور ایران بایسته است؛ چراکه برابر آرمان‌های دینی و آموزه‌های انقلابی، نیازمند معرفی الگویی تازه به جهان در تمامی حوزه‌های حکمرانی و مدیریتی ازجمله علمی است و از سوی دیگر، این مباحث، کارآمدی و اثربخشی خود را در علوم دفاعی و امنیتی نشان داده و کشف تأثیرات و پیوندهای فرهنگ یادشده با توان‌افزایی علمی نیروهای مسلح، با توجه به شواهد و دلالت‌های نشانه‌شناختی فراوان، چندان دشوار نیست.

یافته‌های تحقیق، دلالتی آشکار بر وجود یک منظومه فکری روشنمند و هدفمند ناظر بر فرهنگ علمی مراکز علمی نیروهای مسلح دارد و زمینه‌ها و بسترهایی فراهم می‌آورد که گام‌برداری به سمت لایه‌های بعدی طراحی فرهنگ علمی و تبدیل به سیاست‌های اجرایی و عملیاتی مانند ترسیم الگو و مدل، تنظیم اسناد سیاستی و راهبردی و برنامه‌ای را آسان می‌سازد. بر این پایه و با توجه به یافته‌های تحقیق می‌توان پیشنهاد نمود:

- الگوی فرهنگ مطلوب و تراز مراکز علمی نیروهای مسلح، طراحی و در نظامات کلان نیروهای مسلح مانند ترسیم چشم‌اندازها و افق‌های سازمانی، مد نظر قرار گیرد؛
- تقویت انگیزه‌های غیرمادی و معنوی برای جهش‌آفرینی در حرکت رو به پیشرفت مراکز علمی نیروهای مسلح با بهره‌گیری از سازوکارها و ابزارهای موجود فرهنگی و مستقر در سطح نیروهای مسلح مد نظر قرار گیرد؛
- برنامه‌های موجود فرهنگی مراکز علمی نیروهای مسلح مبتنی بر فرهنگ تراز و مطلوب ترسیم‌شده بازمهندسی شود؛
- یافته‌های تحقیق به‌عنوان بن‌مایه‌های نظری برای صورت‌بندی و تدوین نظریه‌های فرهنگی علم و فرهنگ علمی مورد توجه قرار گیرد.



منابع

- ابن جماعه، بدرالدین (۱۳۸۸). *آموزش نامه: فرهنگ فرداهی و فراگیری در اسلام*. تدوین محمدحسین ساکت. تهران: نشر نی.
- افروغ، عماد (۱۳۹۵). *ارزیابی انتقادی نهاد علم در ایران*. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- اکبریان، رضا (۱۳۸۱). *سازگاری و ناسازگاری علم دین*. تهران: موسسه توسعه و پژوهش ایران.
- باقرزاده، اصغر (۱۳۹۷). *تبیین مبانی و اصول مدیریت راهبردی دانش مبتنی بر آموزه های دین مبین اسلام*. رساله دکتری. تهران: دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی.
- برزگر، پیام (۱۳۹۸). *معماری علم، فناوری و نوآوری جمهوری اسلامی ایران به منظور دستیابی به مرجعیت علمی در افق ۱۴۴۰*. تهران: دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی.
- پیروزمند، علیرضا (۱۳۸۶). *نقش دین در مهندسی فرهنگی کشور*. در: مجموعه مقالات اولین همایش مهندسی فرهنگی کشور. تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ج ۱، ص ۹۰-۱۰۸.
- خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۵). *راه حل های تعارض علم و دین*. خبر آنلاین. قابل دسترس در: <https://www.khabaronline.ir/news/572984/>
- داوری اردکانی، رضا (۱۳۹۷). *شرایط اخلاقی و تاریخی پیشرفت علم*. نامه فرهنگستان علوم. قابل دسترس در: <https://www.khabaronline.ir/news/1277025>
- سازمان عقیدتی سیاسی آجا (معاونت ط ب ب). (۱۴۰۱). *راهبردهای فرهنگی ارتش جمهوری اسلامی ایران*. تهران: انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی ارتش.
- شافریتز، جی.ام؛ کریستوفری، بریک (۱۳۹۰). *سیاست گذاری عمومی در ایالات متحده آمریکا*. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمدسعید؛ فقیهی، ابوالحسن؛ شیخزاده، محمد (۱۳۹۰). *تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده های کیفی*. اندیشه مدیریت راهبردی، شماره ۲ (۱۰)، ص ۱۵۱-۱۹۸.
- عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۳۷۹). *منیه المرید فی آداب المفید و المستفید*. ترجمه سید محمدباقر حاجتی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلام.
- عباسی تقی دیزج، رسول (۱۳۹۸). *تحلیل تطبیقی - کیفی عوامل موثر بر تولید علم در سطح کلان*. جامعه شناسی کاربردی، شماره ۷۳، ص ۱۲۲-۱۰۵.
- عیوضی، محمد (۱۳۸۳). *نقش دین در فرهنگ سازی توسعه علمی*. قیاسات، شماره ۳۴، ص ۴۷-۱۹.
- غروی نائینی، نهله؛ مصطفوی فرد، حامد؛ مصطفوی فرد، زهرا (۱۳۹۱). *ارتقای فرهنگ علم ورزی در دانشگاه اسلامی: راهکارها، افت ها و موانع*. فرهنگ در دانشگاه اسلامی، ۲ (۲)، ص ۲۷۸-۲۵۷.
- فضل الهی، سیف اله؛ ملکی توانا، منصوره (۱۳۹۰). *راهکارهای برون رفت از موانع فرهنگی تولید علم در دانشگاه ها*. معرفت ۲۰ (۱۷۱)، ص ۱۲۴-۱۱۱.



- قانع‌راد، محمدامین؛ ملکی، امیر؛ محمدی، زهرا (۱۳۹۲). تحول فرهنگی در علم: از علم دانشگاهی تا علم پسادانشگاهی. *تحقیقات فرهنگی ایران*، ۶(۲۴)، ص ۵۹-۳۱.
- کمالی، یحیی (۱۳۹۷). روش‌شناسی تحلیل مضمون و کاربرد آن در مطالعات سیاستگذاری عمومی. *سیاستگذاری عمومی*، ۴(۲)، ص ۱۸۹-۲۰۸.
- موحد، مجید؛ حمیدی‌زاده، احسان (۱۳۸۸). علم و دین در آرای علوم اجتماعی: از تعارض تا تعامل. *اندیشه دینی*، ۳۲(۱۱)، ص ۷۴-۴۳.
- موسی‌پور، نعمت‌الله (۱۳۹۲). سبک زندگی آموزش‌گران علوم انسانی در محیط‌های دانشگاهی ایران: از آرمان‌های دینی تا واقعیت‌های سازمانی. *مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، ۵(۲۰)، ص ۱-۳۲.
- نقشه مهندسی فرهنگی کشور (۱۳۹۲). تهران: روزنامه رسمی.
- هراتی، خلیل (۱۳۷۶). پیشرفت علمی و فرهنگ علمی. *رهیافت*، شماره ۱۵، ص ۹۱-۸۶.
- Scheler, M. (2012). *Problems of a Sociology of Knowledge*. Trans.M. Frings. Routledge.
- Smith, K. (2002). *What is the 'Knowledge Economy'? Knowledge Intensity and Distributed Knowledge Bases*. United Nations University, Institute for New Technologies.